

زنان در سیر تحول و تصویب قوانین حمایت خانواده با تأکید بر قانون حمایت خانواده ۱۳۹۱

زهرا بهرامیان^۱، غفور خوئینی^{۲*}

۱- کارشناسی ارشد مطالعات زنان گرایش حقوق زن در اسلام، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه خوارزمی تهران، تهران، ایران.

bahramian.zahraa@gmail.com

۲- دانشیار، گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه خوارزمی تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

Ghkhoeini@khu.ac.ir

تاریخ دریافت: [۱۴۰۲/۴/۳]

تاریخ پذیرش: [۱۴۰۲/۶/۲۹]

چکیده

قانون حمایت خانواده در طی ادوار مختلف دچار تغییر و تحولاتی شده است که در میان این تحولات همواره کوشش شده است به حقوق و مسائل زنان نیز پرداخته شود. جدیدترین این قوانین مربوط به قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ است. این قانون بر اساس قالب و اصول معین در قانون حمایت خانواده ۱۳۵۳، تصویب گردیده است. تحقیق پیش رو با روش توصیفی تحلیلی به این موضوع پرداخته و در آخر این نتیجه حاصل می‌شود که تصویب قانون حمایت خانواده ۱۳۹۱ منجر به توجه بیشتر به حقوق و مسائل زنان و خانواده شده است و برخی ابهامات و تناقضات را در رویه رسیدگی به پرونده‌های خانواده پایان داده است و همچنین مواردی را به نفع زنان پیش‌بینی کرده هرچند که در بعضی حوزه‌ها نسبت به زنان بی‌توجه مانده است.

واژگان کلیدی: زنان، قانون حمایت خانواده ۱۳۹۱، قوانین حمایت خانواده.

۱- مقدمه

زنان و مسائل مربوط به حفظ و مراعات حقوق آن‌ها و همچنین رفع نابرابری‌های جنسیتی، امروزه یکی از موضوعات مطرح در جوامع بشری و تحت نظر دقیق فعالان اجتماعی و پژوهشگران قرار گرفته است و از آنجا که مظلومیت زن در طول تاریخ امری مسلم و غیرقابل انکار بوده است، در جهت بهبود قوانین مربوط به حقوق زن ممکن است سیاست‌های مختلفی از سوی متفکران، اندیشمندان، حقوقدانان و حتی فقیهان وضع شود. وضعیت زنان در ایران به‌عنوان قشری از اجتماع در طول دوران مختلف تاریخی و فرهنگی متفاوت بوده است؛ رویدادهای مختلف و تأثیرات آن بر جامعه و فرهنگ ایران تأثیر مستقیمی بر وضعیت زنان نیز داشته است. از جمله این حوادث می‌توان به حمله اعراب همچنین حمله مغول‌ها به ایران اشاره کرد که زنان نیز بنا بر مقتضیات حاکم در آن دوران در حاشیه این تحولات قرار داشتند.

در کشور ما پیش از آنکه قانون حمایت خانواده به تصویب برسد، نگاه جامعه به زن به‌عنوان جنسی ضعیف‌تر از مرد بود به‌گونه‌ای که وظیفه زن را منحصرأ محدود به کار کردن در خانه می‌دانستند. جامعه آن روز نقشی منفعل به زن می‌داد و قانون مدنی در زمینه‌های بسیاری از جمله طلاق، حضانت و... مردان را مورد حمایت خود قرار می‌داد. قانون حمایت خانواده تصویب شد تا کاستی‌ها و خلأهایی را که به‌ویژه در خصوص حقوق زنان وجود داشت را جبران کند و در واقع میان حقوق زنان و مردان تعادل برقرار کند. همچنین از آنجائی که در دین مبین اسلام؛ قواعدی در خصوص بنیان خانواده وضع شده است که همگی در جهت استحکام آن می‌باشند و نظر به اهمیت این حوزه قانون‌گذار نیز با تصویب این قانون، سعی نموده تا با جمع‌آوری مقرراتی در حوزه‌ی خانواده، به آن سامان بخشیده و این حوزه را تحت حمایت خود قرار دهد. در ایران تاکنون سه بار این قانون تصویب شده است و چندین مرتبه مورد بازنگری قرار گرفته تا به اقتضاء زمان حمایت بهتری از مشمولان آن به عمل آورد. (قبولی درفشان و محسنی، ۱۳۹۴). خانواده به‌عنوان مهم‌ترین واحد اجتماعی، موضوع اصلی قوانین حمایت خانواده است. بر اساس فصل اول این قانون دادگاهی به نام دادگاه خانواده تأسیس می‌شود که صلاحیت رسیدگی به دعاوی خانوادگی را دارد. از جمله مهم‌ترین موضوعاتی که در صلاحیت دادگاه خانواده است و در این قانون نسبت به آن تعیین تکلیف شده است می‌توان به نامزدی و خسارت ناشی از برهم زدن آن، شروط ضمن عقد نکاح، ازدواج مجدد، جهیزیه، مهریه، نفقه زوج و نفقه اقارب، اجرت‌المثل ایام زوجیت، تمکین و نشوز، طلاق و موضوعات مربوط به آن، حضانت و ملاقات طفل، نسب، رشد، ولایت قهری، قیمومیت، سرپرستی کودکان بی‌سرپرست. اهدای جنین و تغییر جنسیت اشاره کرد. (توکلی، ۱۳۹۷).

قوانین و مقرراتی که تا قبل از سال ۴۶ مربوط به نهاد خانواده بوده است، به‌طور اختصاصی مسائل مربوط به این نهاد را مقرر نمی‌کردند، اما بعد از این سال قانون‌گذار به اهمیت این نهاد و همچنین ویژگی‌های خاص آن پی برد. در ادامه به بررسی تصویب قانون حمایت خانواده و تحولات آن در طی ادوار مختلف می‌پردازیم.

اولین قانونی که به‌طور خاص مربوط به نهاد خانواده است در سال ۱۳۴۶ با عنوان قانون حمایت خانواده به تصویب رسید. این قانون مشتمل بر ۲۳ ماده و یک تبصره بود و در حقیقت به دنبال نیازهای اجتماعی در مورد حقوق زن قانون حمایت خانواده در سال ۱۳۴۶ به تصویب رسید. این قانون همانند سایر قوانین دارای معایب و محاسنی بود ولیکن در عمل به دلیل کاستی‌هایی که در آن وجود داشت دوام چندانی نداشت. از جمله مزایای این قانون می‌توان به این موارد اشاره کرد: محدود کردن اختیار مرد در طلاق؛ افزایش موجبات طلاق به درخواست زنان، کاسته شدن از اختیارات مرد برای ازدواج مجدد و کاسته شدن از اختیارات مرد در منع اشتغال زن.

قانون حمایت خانواده ۱۳۴۶ دو تغییر عمده در مقررات راجع به طلاق ایجاد کرد: اول مرد را موظف کرد که قبل از اجرای طلاق به دادگاه مراجعه و پس از اخذ گواهی عدم امکان سازش نسبت به طلاق زنش اقدام کند (ماده ۸)، اما آزادی مرد در طلاق همسرش را به موارد خاصی محدود نکرد و در صورت اصرار مرد به طلاق دادگاه اجازه داد که گواهی عدم امکان سازش را صادر نماید. دوم اینکه موارد تقاضای طلاق توسط زن را از آنچه در قانون مدنی وجود داشت افزایش داد. ماده ۱۱ نیز ضمن وجود موارد طلاق زوجه که در قانون مدنی مقرر شده بود، موارد زیر را اضافه کرد: اقدام به ترک زندگی خانوادگی از سوی شوهر؛ اختیار نمودن همسر دوم بدون کسب رضایت از زوجه؛ مرتکب شدن شوهر به جرمی که با شئون زندگی خانوادگی و زن مغایرت باشد. محکوم شدن قطعی شوهر به هر نوع اعتیاد مضر که بنا بر تشخیص دادگاه به پایه‌های زندگی خانوادگی خلل وارد نموده و منجر به غیر قابل ادامه دار شدن زندگی زناشویی گردد (باقری فرد، آیت‌اللهی، علاسوند و بداعی، ۱۳۹۲).

مطابق با قانون مدنی زن تنها می‌توانست به استناد مواد ۱۰۲۹، ۱۱۱۹، ۱۱۲۹ و ۱۱۳۰ درخواست طلاق کند اما قانون حمایت خانواده ۱۳۴۶ با مقرر کردن ماده ۱۱ موارد درخواست طلاق توسط زن را افزایش داد (منصور، ۱۳۹۷).

قانون حمایت از خانواده ۱۳۴۶ مانع ازدواج مجدد مرد بدون اجازه از دادگاه شد. طبق مقررات ایران پیش از به تصویب رسیدن قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۴۶، مسئله تعدد زوجات در شرایطی که از نصاب تعیین شده عدول نمی‌کرد، مجاز بود.

زن و شوهر می‌توانند یکدیگر را از شغلی که منافی مصالح خانوادگی باشد، منع کنند. ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی نیز به همین موضوع اشاره می‌کند که شوهر این حق را دارد زن خود را از حرفه یا صنعتی که به ضرر مصلحت خانوادگی‌شان است یا به حیثیاتشان آسیب وارد می‌سازد، منع کند. با تصویب قانون حمایت خانواده در این باره از زنان حمایت بیشتری به عمل آمد؛ به این صورت که مرد فقط با تأیید دادگاه می‌تواند برای زن خود برای اشتغال به حرفه‌ای که در تضاد با مصالح خانوادگی است، ممانعت ایجاد نماید. (صفایی و امامی، ۱۳۹۳)

قانون‌گذار باید در تصویب هر کدام از قوانین سعی کند تمام جنبه‌های آن را مورد بررسی قرار دهد و حقوق تمام افراد جامعه را مدنظر قرار دهد تا بعد از تصویب آن قانون از مشکلاتی که قبل از تصویب آن وجود داشته، موردی یافت نشود؛ اما متأسفانه بعضی از موارد از نگاه قانون‌گذار غیر مهم جلوه می‌کند یا اینکه اصلاً مدنظر قانون‌گذار قرار نمی‌گیرد. قانون حمایت خانواده ۱۳۴۶ نیز از این مورد استثنا نبوده و قانون‌گذار در تصویب آن به بعضی از نکات توجهی نداشته است. در ادامه به معایب قانون حمایت خانواده ۱۳۴۶ در حمایت از حقوق زنان می‌پردازیم.

نداشتن حمایت مالی از زن حین طلاق: زن در حین طلاق نیاز به حمایت مالی دارد؛ اما قانون حمایت خانواده به این موضوع اهمیت چندانی نداده است و در واقع این قانون راهکاری که موجب تحول جدی در این زمینه باشد ارائه نشده است.

میسر نبودن احراز اجرای عدالت در ازدواج مجدد: ماده ۱۴ این قانون اختیار مرد برای ازدواج مجدد را موکول به اخذ اجازه از دادگاه نمود و اعطاء اذن از جانب دادگاه زمانی بود که توانایی مرد و قدرت به اجرای عدالت احراز گردد؛ برای مردی که بدون کسب اجازه از دادگاه ازدواج می‌نمود نیز مجازات تعیین شده بود. هر چند قدرت و توانایی مالی مرد به سهولت امکان‌پذیر است ولیکن احراز عدالت امری مشکل و بسی دشوار است.

شرایط و نیازهای هر دوره‌ای موجب تصویب قوانینی می‌شود که جو حاکم بر جامعه از آن‌ها تأثیر گرفته‌اند. در سال ۱۳۵۳ نهاد خانواده و قوانین مرتبط با آن نیازمند تغییرات جدی و اصلاحات قانونی بود. در همین سال در پی از بین بردن کاستی‌های مربوط به حقوق

مدنی علی‌الخصوص در زمینه‌ی زن و رفع نابرابری‌ها، قانون حمایت خانواده تصویب شد؛ چراکه اساساً تصویب قانون مدنی به‌عنوان قانون مادر، عملاً امکان‌پذیر نبود. قانون مصوب در سال ۵۳ در زمان خود قانون کاملی بود و موفق به از بین بردن تبعیضات و نابرابری‌ها شد. از نظر بسیاری از حقوقدانان قانون حمایت خانواده‌ی ۱۳۵۳ تحولی عظیم در حمایت از حقوق زنان بود؛ طوری که بعضی از حقوقدانان به‌عنوان این قانون ایراد می‌گرفتند و می‌گفتند این قانون بیشتر از زنان حمایت کرده نه از خانواده (صفایی و امامی ۱۳۹۳).

ازجمله نکات مثبت قانون حمایت خانواده ۱۳۵۳، اعطای حق ولایت به مادر است، چراکه قرآن کریم در این زمینه صراحتاً پدر و جد پدری را ولی فرزند می‌داند و حقی که از سوی خداوند اعطا شده قابل سلب نیست. همچنین برای حضانت کودک، مصلحت طفل را ملاک قرار داده است. قانون مذکور همچنین، ازدواج زن و مرد قبل از ۱۸ سالگی را ممنوع اعلام کرد.

در این قانون به زن و مرد برای درخواست طلاق فرصت مساوی اعطا گردیده که نسبت به قوانین قبلی یک گام مثبت جهت احقاق حقوق زنان برداشته شده است. ماده‌ی ۸ این قانون بیانگر این نکته است که از اختیارات مرد برای درخواست طلاق کاسته و در مقابل دست زن را برای درخواست طلاق باز گذاشته است. و ازجمله امتیازی که در اینجا به زن داده شده است این می‌باشد که زن نیز متقابلاً امکان منع و جلوگیری شوهر از شغلش را دارد. البته این امر در صورتی امکان دارد که از دست دادن شغل مرد برای معیشت خانواده آسیب ساز نباشد (اسعدی ۱۳۹۱). متقاضی دادخواست طلاق-اعم از اینکه زن باشد یا شوهر- می‌تواند از دادگاه حکم به مقررری ماهانه علیه طرف مقابل را درخواست کند. قانون‌گذار مفاد ماده‌ی ۱۱ قانون حمایت خانواده ۱۳۵۳ را در همین راستا مقرر کرد که مطابق این ماده اگر گواهی عدم امکان سازش بر اساس قصور و بدرفتاری یکی از طرفین صادر شده باشد، دادگاه او را ملزم می‌کند که متناسب با طرف دیگر مقررری ماهانه‌ای پرداخت نماید؛ البته به شرط اینکه عدم بضاعت محکوم‌له و توانایی پرداخت محکوم‌علیه محرز باشد (کریمی ۱۳۸۷).

قانون حمایت خانواده ۱۳۹۱ به‌گونه‌ای تصویب شد که اصول و مبانی حاکم در قانون حمایت خانواده ۵۳ در آن بنا شده است، ولیکن قانون جدید سعی در ارائه نوآوری‌هایی داشته است. قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ تمامی قوانین و مقرراتی که پیش از آن مربوط به نهاد خانواده بودند را جمع‌آوری کرده و هم در مبحث ازدواج و نکاح و نیز در بحث طلاق و جدایی دچار تحولاتی شده است و علاوه بر ماهیت امور حقوقی به شکل رسیدگی به آن‌ها نیز توجه داشته است. در زمینه سلامت طرفین جهت انعقاد عقد نکاح و الزام به ثبت نکاح، مهریه و ضمانت اجرای آن‌ها نیز قواعد جدیدی وضع کرده است. نهاد حقوقی داوری و شرایط داور در قانون حمایت خانواده ۹۱ مورد بررسی قرار گرفته‌اند. مسائل مربوط به حق و حقوق و وظیفه‌ی مستمری نیز در فصل ششم این قانون مقرر شده است. تصویب هر قانونی نقاط قوت و ضعفی در پی دارد و قانون حمایت خانواده نیز از این موضوع مستثنی نیست و چه‌بسا نقاط قوت این قانون بیشتر از کاستی‌های مقرر در آن است.

به نظر می‌رسد قانون جدید حمایت خانواده گامی رو به جلو است اما با وجود نگاه‌های سنتی که در این قانون وجود دارد کافی نیست؛ چراکه قانون باید با مقتضیات زمان و مکان همخوانی داشته باشد. واقعیت این است که جامعه هنگام مطرح شدن این لایحه دچار هیجان شد و برخی مباحث لایحه به‌صورت جنجالی مطرح شد که در پی آن مسائل دیگر هم به همین شکل مورد تصویب قرار گرفتند و مانع کارشناسی واقعی، دقیق، عمیق شد. بهتر است قانون‌گذار بتواند خلأها را ریشه‌یابی کند و قانونی که از جامعیت برخوردار باشد تصویب کند نه اینکه صرفاً ضرورت‌های اجتماعی باعث شود قانون‌گذار به‌سرعت دست به تدوین قانون بزند. این قانون به‌ویژه در مباحث مربوط به سهولت در طرح دعوا و دسترسی به مراجع قضایی، بحث حضانت و ملاقات اطفال، مقررات ثبت و ثبت ازدواج،

بحث کاهش سن ازدواج و حقوق وظیفه و مستمری به نفع زنان است؛ ولیکن در عمل به‌خصوص در زمینه‌ی اخذ مهریه و سایر حقوق مالی زنان را با مشکلات عدیده‌ای مواجه می‌کند و اجرای قانون را دست‌کم در امور مالی سخت می‌کند.

تصویب آخرین قانون حمایت خانواده در زمینه حمایت از حقوق زنان رویکردهای مثبتی به دنبال داشته است از جمله در نظر گرفتن مراکز مشاوره خانواده در کنار دادگاه‌های خانواده و حضور قاضی مشاور زن در دادگاه خانواده.

مراکز مشاوره خانواده و مقررات مربوط به آن، از دو جهت قابل بررسی است؛ از یک‌سو جنبه‌های شکلی این بحث و از سوی دیگر جنبه‌های ماهوی. فصل دوم قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ که دارای ۴ ماده است بیان احکام این مراکز اختصاص یافته است. از جمله اهداف تأسیس این مراکز می‌توان به تحکیم بنیان خانواده، کاهش اختلافات خانوادگی، به حداقل رساندن طلاق و تلاش جهت ایجاد صلح و سازش اشاره کرد. انتخاب اعضای مراکز مشاوره خانواده از میان کارشناسان رشته‌های مختلف (مطالعات خانواده، روانشناسی، مشاوره، روان‌پزشکی، مددکاری اجتماعی، حقوق و فقه و حقوق و...)؛ همه‌ی تخصص‌های مذکور جنبه‌ی تمثیلی دارند و محدود به این موارد نمی‌شوند. در ماده‌ی ۱۷ به این نکته اشاره شده است که حداقل نصف این اعضا می‌بایست از میان بانوان متأهل که شامل شرایط پیش‌بینی شده است، باشند.

رویکرد مثبت دیگری که در این قانون تعیین شده است حقوق وظیفه و مستمری است.

حقوق وظیفه‌ی زوجه دائم به این صورت است: اولاً همسر دائمی شخص متوفی از حقوق و مستمری شوهرش بهره‌مند است. اگر زن مجدداً ازدواج کند؛ همچنان حقوق مذکور برای وی محفوظ می‌ماند، حال اگر شوهر دوم این زن فوت کند و باز هم از حقوق و مستمری شوهرش بهره‌مند باشد، در این صورت ملاک برای زن بیشترین مستمری است یعنی باید حقوق متوفی که بیشتر از دیگری است، به زن پرداخت شود و در صورتی که خود شخص متوفی چند همسر دائمی داشته باشد، تقسیم به‌طور مساوی بین آن‌ها و وراثت قانونی دیگر او، انجام می‌گردد.

نکته‌ی دوم اینکه؛ اگر همسر شخص متوفی، حقوق و مستمری بازنشستگی خود را دریافت می‌کند، این موضع باعث نمی‌شود تا نتواند حقوق وظیفه و بازنشستگی همسر متوفی خود را دریافت کند. مورد بعدی مربوط به فرزندان متوفی است؛ دختران اگر متأهل نباشند و شغل نداشته باشند، از بیمه، حقوق و مستمری بازنشستگی یا حقوق وظیفه و کمک‌هزینه‌ی والدین خود برخوردار می‌گردند. پسران نیز در صورتی از این حقوق بهره‌مند می‌گردند که کمتر از بیست سال سن داشته باشند؛ و اگر غیر این باشد یعنی بعد از بیست‌سالگی فقط در صورتی که معلول، از کار افتاده، نیازمند یا مشغول به تحصیل در دانشگاه باشند، حق دریافت این حقوق را خواهند داشت. مقررات مذکور برای همه‌ی کسانی که قبل از لازم‌الاجرا شدن این قانون فوت شده‌اند، اجرا می‌شود.

در رابطه با بحث حضانت در این قانون پیش‌بینی شده است که حضانت فرزندی که پدرش فوت شده است با مادر است (البته در صورتی که دادگاه اعطای حضانت به مادر را خلاف مصلحت تشخیص ندهد)؛ بنابراین مشخص است که در قانون جدید نقش جد پدری بسیار کم‌رنگ شده است، زیرا همواره یکی از دغدغه‌های مهم زنان حضور پررنگ آن‌ها در عرصه‌ی حضانت کودکان خود بوده است و از جمله نکات مثبت این قانون توجه به همین موضوع بوده است. در رابطه با محل نگهداری صغیر نیز، در این قانون تدابیری به کار گرفته شده است. ماده‌ی ۴۲ در این زمینه پیش‌بینی کرده است اطفال و یا مجانین را بدون اخذ رضایت از ولی یا مادر آن‌ها یا هر شخصی که حضانتشان را بر عهده دارد، نمی‌توان از محل اقامتشان که بین طرفین مقرر شده بود، به محل دیگر یا خارج از کشور فرستاد. البته دادگاه هم در صورتی که آن امر را به مصلحت صغیر و مجنون بداند می‌تواند این اجازه را بدهد. حال اگر دادگاه با خارج

کردن صغیر یا مجنون از کشور موافقت کرد باید تأمین مناسبی به جهت تضمین برای بازگرداندن صغیر و مجنون اخذ نماید؛ البته به درخواست ذی نفع.

در قانون جدید در زمینه ضرورت ثبت ازدواج دائم و طلاق یا فسخ نکاح یا رجوع مقررات خوبی وضع شده و به ابهامات گذشته پایان داده است. یکی از نکات مثبت این قانون الزام مرد به ثبت نکاح، همراه با اعمال مجازات است و این در حالیست که در قوانین فعلی و سابق به این موضوع توجه نکرده بودند. از حیث مقررات کیفری برای مردی که بدون ثبت اقدام به ازدواج کند، مجازات جزای نقدی همراه با محرومیت از حقوق اجتماعی مقرر کرده است و همچنین سردفتر نیز در مقابل ثبت ازدواج مجدد بدون اجازه دادگاه مسئول شناخته شده و انفصال دائم از شغل سردفتری مجازات وی است (اسدی، ۱۳۸۷).

به رسمیت شناختن نهاد نامزدی از دیگر نکات مثبت و نوآوری‌های این قانون است. نامزدی در نتیجه خواستگاری مرد و موافقت زن محقق می‌شود و نوعی توافق و قرارداد بین آنها محسوب می‌شود؛ بنابراین؛ نامزدی، رابطه زوجیت بین زن و مرد ایجاد نمی‌کند. بحثی که در حقوق خانواده مطرح است این است که آیا خسارات ناشی از برهم زدن نامزدی قابل مطالبه است یا خیر؟ به نظر می‌رسد قانون‌گذار به صرف امتناع از نامزدی طرفین را ملزم به جبران خسارت نکرده است ولی مطالبه خسارت به استناد سایر دلایل را امکان‌پذیر می‌داند این برداشت در ماده ۴ قانون حمایت خانواده ۹۱ تأیید شده است که رسیدگی به نامزدی و خسارات ناشی از برهم زدن آن را در صلاحیت دادگاه خانواده قرار داده است (شیروی، ۱۳۹۵).

هرچند که قانون جدید حمایت خانواده در حمایت از حقوق زنان رویکردهای مثبتی را در نظر گرفته است، اما در بعضی مواد این قانون مواردی علیه حقوق زن دیده می‌شود؛ از جمله عدم سهولت طلاق از سوی زنان و عدم سهولت در گرفتن مهریه.

بر خلاف مرد که اصولاً می‌تواند زن خود را با دلیل یا بدون دلیل طلاق دهد، تقاضای طلاق توسط زوجه باید مستند به دلایل قانونی باشد (شیروی، ۱۳۹۵). در حقوق فعلی کشورهای اسلامی و در حقوق کشور ما، طلاق به سه دسته تقسیم می‌شود: طلاق با اراده‌ی شوهر، طلاق با توافق زوجین و طلاق به درخواست زن.

رویه‌ی طلاق توافقی در دادگاه خانواده بسیار فوری است، اما اگر طلاق به صورت توافقی حل نشود ممکن است گاهی حدود ۴ الی ۵ سال به طول بیانجامد. در طلاق به درخواست زن، ۲ راه به‌طور کلی برای زنان وجود دارد ۱. احراز شرایط اعمال وکالت در طلاق و ۲. الزام زوج به طلاق.

با توجه به این‌که در قانون حمایت خانواده، اسباب و علل ماهوی طلاق مورد اشاره قرار نگرفته است، از این‌رو مواد ۱۱۳۰ و ۱۱۳۳ قانون مدنی به اجرا در می‌آید. وفق ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی، در صورتی‌که شوهر بنا به هر علتی، تمایل به ادامه زندگی با همسر خود نداشته باشد هیچ‌کس نمی‌تواند او را وادار به ادامه زندگی کند و از آنجایی‌که در روابط زوجین اصل بر محبت و همدلی است نه اجبار و اکراه، در مقابل اگر زن نیز نتواند با شوهرش به هر دلیلی به زندگی ادامه دهد و از درخواست خود صرف‌نظر نکند، کسی نمی‌تواند زن را مجبور به ادامه‌ی زندگی مشترک کند.

ماده ۲۲ قانون حمایت خانواده، گرفتن مهریه‌ی بیش از ۱۱۰ سکه را برای زنان با مشکل مواجه ساخته است چراکه باید ملائت مرد را به اثبات برساند بنابراین اگر مرد ناتوان از پرداخت مهریه بیش از ۱۱۰ سکه باشد به زندان نخواهد رفت. وصول مهریه به انداز ۱۱۰ سکه نیز بر اساس ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی صورت می‌گیرد. واقعیت این است که ماده مزبور مشکلی را حل نخواهد کرد، زیرا رئیس قوه قضائیه با اصلاح ماده ۱۸ آیین‌نامه اجرائی ماده ۶ نحوه اجرای محکومیت‌های مالی اصل را بر عدم امکان

حبس زوج قرار داده است؛ مگر در صورتی که زوجه به تبصره‌ی این ماده استناد کند و توان اثبات ملائت مالی زوج را نزد قاضی دادگاه داشته باشد. هرچند زوجه تاکنون نتوانسته است به‌راحتی این موضوع را اثبات نماید. پس عملاً حبس زوج امکان‌پذیر نیست و در نتیجه ماده‌ی ۲۲ قبل از اینکه به مرحله‌ی اجرا برسد، کارایی خود را از دست داده است.

۲- مبانی نظری و پیشنهاد

از آنجاکه زنان در جامعه امروز هم در خانواده و هم در اجتماع نقش اساسی دارند، بنابراین شایسته است که برجسته‌ترین نقش را در خانواده به آن‌ها داد و به همین جهت نیز قرار گرفتن او در سایه حمایت‌های قانونی ضرورتی است انکارناپذیر. در زمینه قانون‌گذاری اصل بر این است که قانون‌گذار می‌بایست کاستی‌های قوانین گذشته را برطرف کرده و قوانین را تکمیل می‌کند و بر اساس نیازهای روز جامعه نوآوری‌ها به قانون گذشته بیفزاید، فلذا لازم دانستیم پژوهشی در این موضوع و با این هدف انجام دهیم تا مشخص شود بر اساس اصل مورد اشاره قانون حمایت خانواده ۱۳۹۱ نسبت به قوانین حمایت خانواده ۱۳۵۳ و ۱۳۴۶ در زمینه حقوق زنان پیشرفت داشته یا پسرفت و از برآیند آن پیشنهادهایی برای اصلاح قوانین و گسترش تأمین حقوق زن نیز ارائه شده است. در پژوهشی که در سال ۱۳۹۴ جعفرپور ارائه داده است به این مهم رسیده است قانون جدید حمایت خانواده زنان را مورد حمایت خود قرار داده و جنبه حمایتی این قانون نسبت به قوانین قبلی افزایش یافته است.

۳- روش‌شناسی

پژوهش حاضر از نوع تحلیلی-توصیفی بوده و بنا بر روش کتابخانه‌ای که مرتبط با موضوع است استخراج و فیش‌برداری شده است و از طریق جست‌وجو در منابع معتبر حقوقی و سایت‌های اینترنتی صورت گرفته است.

۴- یافته‌ها

بررسی قوانین حمایت خانواده بیانگر این مطلب است که قانون‌گذار متناسب با نیازهای جدید جامعه و برای جلوگیری از اختلاف و تنش در روابط زناشویی اقدام به تصویب آن کرده است. به نظر می‌رسد قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ حاوی نکات مثبتی است که در مقایسه با قانون قبل، پویاتر است. قانون‌گذار در تصویب قانون حمایت خانواده ۱۳۹۱ سعی بر این داشته تا حمایت‌های جدی و محکمی از زنان داشته باشد. در مقایسه با قوانین حمایت خانواده درمی‌یابیم که قانون جدید تفاوت‌هایی با قوانین قبلی داشته است و مقایسه میان قوانین حمایت خانواده قدیم و جدید ما را به این نتیجه می‌رساند که قطعاً نکات افتراق و اشتراکی میان این قوانین وجود دارد از جمله نکات افتراق قانون جدید حمایت خانواده نسبت به قوانین پیشین حضور قاضی مشاور زن در دادگاه خانواده و طرح دعاوی خانواده توسط زوجه در محل اقامت خود و دریافت مستمری زوج متوفی توسط زوجه حتی در صورت ازدواج مجدد زن می‌باشد. از جمله نکات مشترک قانون جدید با قوانین قبلی این است که ثبت طلاق موکول به تأدیه حقوق مالی زوجه شده است مگر اینکه طلاق در صورت رضایت زوجه یا صدور حکم قطعی دایر بر اعصار زوج یا تقسیت محکوم به ثبت شود. به‌طورکلی می‌توان به این نتیجه رسید که قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ در برخی موارد دست به تغییر زده است ولی در بعضی موارد همچنان به قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳ ارجاع داده شده است با توجه به عدم نسخ این قانون.

۵- بحث و نتیجه‌گیری

قوانین خانواده از ابتدای تصویب تاکنون، به‌طورکلی همواره با افراط و تفریط‌هایی روبه‌رو بوده است؛ در وضع قوانینی که ضمانت اجرا ندارند، افراط و در عدم پرداختن به موضوع زنان تفریط. اگر قانون‌گذار در مسیری که جامعه در حال رشد و حرکت باشد، پیش رود می‌تواند به هدف خود در قانون‌گذاری یعنی تحکیم بنیان خانواده برسد.

هرچند که قانون‌گذار با تصویب قانون حمایت خانواده ۹۱ خود را نیازمند این دانست که بازنگری و آسیب‌شناسی حقوق زنان در عرصه‌های مختلف را انجام داده تا به این ترتیب نقاط ضعف حقوق زنان رفع شود و نقاط قوت آن تقویت گردد؛ اما در واقع قانون‌گذار بدون توجه به تغییر قوانین و بدون بررسی همه‌جانبه آثار و تبعات ناشی از این تغییرات، به تدوین قانون پرداخت غافل از اینکه این تغییرات اثر سوئی بر نهاد خانواده بر جای می‌گذارد. بررسی قوانین حمایت از خانواده بیانگر این مطلب است که قانون‌گذار در بعضی موارد متناسب با نیازهای جدید جامعه و برای جلوگیری از اختلاف و تنش در روابط زناشویی اقدام به تصویب آن‌ها نموده است. هرچند که این قوانین تصویبی نیز در این زمینه خالی از نقص نمی‌باشد. با بررسی قانون حمایت خانواده مصوب ۹۱ آشکار گردید که قانون مزبور باید در بسیاری از موارد و در مقایسه با دو قانون قبلی پویاتر و عقلانی‌تر می‌بود و این حاکی از آن است که قوه قضاییه در این زمینه از تجربیات قبلی و روند حاکم بر دعاوی خانواده حداکثر استفاده را نموده و با آسیب‌شناسی دقیق اقدام به تنظیم این قانون نموده است. در واقع جست‌وجو و کاوش این نتیجه را در اختیار ما نهاد که حمایت‌های صورت گرفته از زنان در قوانین حمایت خانواده جامع‌و مانع نیست و در حقیقت قانون‌گذار بدون توجه به جامعه‌ی امروزی و نیازهای یک زن، قانون حمایت خانواده را تنظیم نمود. قانون‌گذار می‌توانست با تدابیر حمایتی خود انتظارات زنان را پاسخگو باشد، ولی زنان نه تنها متحمل سال‌ها خشونت خانگی و سایر اشکال تبعیض و نابرابری در خانواده بوده‌اند که حتی امروزه هم در هنگام دادخواهی با خشونت ساختاری سیستم قضایی و حقوقی روبرو هستند. اغلب این زنان تجربه‌ی روند طولانی و فرسایشی رسیدگی به دعاوی خانواده را دارند.

پس بنابراین حاصل این بررسی‌ها ما را بدین موضع رهنمون ساخت که اگرچه این قانون به برخی ابهامات و تناقضات در رویه‌های رسیدگی به پرونده‌های خانواده پایان داده و مواردی را به نفع زنان پیش‌بینی کرده است اما در برخی حوزه‌ها نیز نسبت به احقاق حقوق زنان عقب‌گرد داشته است.

در پایان به نظر می‌رسد با در نظر داشتن نتایج فوق و فارغ از بحث پیرامون کفایت و یا عدم کفایت قانون حمایت خانواده در خصوص حمایت از حقوق زنان، در مورد مهم‌ترین مواردی که معمولاً به‌عنوان مصادیق حقوق زنان یاد می‌شوند نام برد. از جمله در بحث ازدواج مجدد مردان؛ که بسی شایسته است در این خصوص ضمانت اجرای سنگین برای جلوگیری از این موضوع وضع گردد. چراکه سالانه بسیاری از زنان در اثر ازدواج مجدد همسر خود، دچار بیماری‌های روحی و افسردگی می‌شوند. همچنین افزایش سن ازدواج دختران و دادن حق طلاق به زن نیز از دیگر مصادیق مطرح در حقوق زنان می‌باشند.

امروزه بیشتر از هر زمان دیگری برای حمایت هرچه بیشتر و بهتر از حقوق زنان نیاز به قانون داریم. قانون بهترین نهادی است که اگر به صورت درست اجرا شود می‌توان عدالت را به وجه احسن تأمین کرده و ضمانتی برای ارزش‌های انسانی زن ایجاد کند چراکه حضور تأثیرگذار زنان در عرصه‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی و ارتقای سطح سواد و آگاهی‌های اجتماعی، نمایانگر بخشی از حضور چشمگیر آن‌ها در عرصه‌های اجتماعی است و بروز ابتکارات و خلاقیت‌های چشمگیر زنان در عرصه‌های علمی و فناوری نشانگر اهتمام آنان در جهت به وجود آمدن فرصت‌های برابر با مردان است. نقش مؤثر زن در تحکیم بنیان خانواده و تربیت نسلی توانمند و مفید برای کشور را هیچ‌کس نمی‌تواند کتمان کند و در نهایت نباید فراموش کرد بی‌تردید مردان موفق را زنان توانمند پشتیبانی می‌کنند.

۶- منابع

- ۱- اسدی، لیل‌اسادات (۱۳۸۷). نقد و بررسی قوانین ثبت ازدواج. مطالعات راهبردی زنان، ۴۰(۱۰)، ۱۰۳-۱۳۰.
- ۲- اسعدی، سید حسن (۱۳۹۱). پژوهش تطبیقی درباره‌ی حقوق زن. تهران: میزان.
- ۳- باقری‌فرد، سعیده؛ آیت‌اللهی، زهرا؛ علاسوند، فریبا؛ و بداعی، فاطمه (۱۳۹۲). حقوق زنان برابری یا نابرابری. تهران: معارف.
- ۴- کریمی، حمید (۱۳۸۷). حقوق زن. تهران: معارف، کانون اندیشه جوان وابسته به موسسه کانون اندیشه جوان تهران.
- ۵- توکلی، محمدمهدی (۱۳۹۷). مختصر آئین دادرسی مدنی. تهران: مکتوب آخر.
- ۶- شیروی، عبدالحسین (۱۳۹۵). حقوق خانواده (ازدواج، طلاق، فرزندان). تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

۷- صفایی، سید حسین؛ و امامی، اسدالله (۱۳۹۳). مختصر حقوق خانواده. تهران: میزان.

۸- قانون حمایت خانواده ۱۳۹۱

۹- منصور، جهانگیر (۱۳۹۷). قانون مدنی. تهران: نشر دیدار.

۱۰- قبولی درفشان، محمدمهدی؛ و محسنی، سعید (۱۳۹۴). نوآورهای قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ در زمینه مقررات شکلی

مرتبط با دعاوی خانوادگی. پژوهش‌نامه‌ی زنان ۶(۱۲)، ۱۱۹-۱۳۹.

Women in the Process of Transformation and Approval of Family Protection Laws with Emphasis on the Family Protection Law of 2012

Zahra Bahramian¹, Ghafour Khoini^{2*}

1. Master's degree, women's studies, women's rights in Islam, Faculty of Law and Political Sciences, Kharazmi University, Tehran, Iran.

bahramian.zahraa@gmail.com

2. Associate Professor, Department of Private Law, Faculty of Law and Political Science, Kharazmi University, Tehran, Iran (Corresponding Author).

Ghkhoeini@khu.ac.ir

Abstract

The family protection law has undergone changes and developments over different periods. Throughout these changes, efforts have consistently been made to address women's rights and issues. The most recent of these laws is the Family Protection Law approved in 1391-Shamsi year. This law was approved based on the format and principles specified in the Family Protection Law of 1353. This research employs a descriptive and analytical method to explore this issue. It concludes that the approval of the Family Protection Law of 1391 has resulted in greater attention to the rights of women and families. It has also resolved some ambiguities and contradictions in the procedure of handling family cases and includes provisions that favor women, although it overlooks women in certain areas.

Keywords: Women- Family Protection Law of 1391- Family Protection Law.



This Journal is an open access Journal Licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License

(CC BY 4.0)